

بخش دوم : درس ششم: خدا در فلسفه (۲)

□ یادآوری نکته مهم :

- بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و خواه پیرو هر مسلک دیگر درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی محض، تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.
- فیلسوف کسی نیست که عقیده ای نداشته باشد، بلکه کسی است که براساس قواعد فلسفی عقیده ای را پذیرفته و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.
- فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.

□ اثبات وجود خدا از طریق عقل و استدلال :

- برخی از فلاسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از طریق عقل و استدلال عقلی اثبات کرد.
- برخلاف فلاسفه اروپایی، فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر، به این نتیجه رسیدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.
- هر کدام از فلاسفه اسلامی تلاش کرده اند با بیانی بسیار دقیق، استدلال های طرح شده درباره اثبات وجود خدا را توضیح دهند یا استدلالی جدید ارائه کنند.
- در این درس استدلال های فارابی و ابن سینا را مورد بررسی قرار می دهیم.

□ استدلال فارابی درباره اثبات وجود خدا :

- در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.
- وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.
- اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است.

❖ تعریف تسلسل علل نامتناهی :

اکنون اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد. به عبارت دیگر، ابتدا داشتن سلسله بی نهایت، خود متناقض و غیرممکن است.

❖ مثال تسلسل علل نامتناهی :

- شخصی می خواهد تعدادی آجر را به صورت مایل و با تکیه یکی بر دیگری، روی یک سطح صاف بچیند.
- برای این کار، ابتدا یک ستون عمودی روی زمین نصب می کند و آجر اول را به صورت مایل به آن تکیه می دهد.
- آنگاه آجر دوم را به آجر اول تکیه می دهد و بقیه آجرها را به همین ترتیب می چیند.
- در این میان، اگر کسی بگوید به آن ستون ثابت نیازی نیست، عملاً نمی تواند هیچ سلسله ای از آجرهای مایل، حتی یک آجر را روی زمین قرار دهد و همان آجر اول هم خواهد افتاد.
- معلول بودن هر موجود و نیاز آن به علت مانند متکی بودن هر آجر به آجر دیگر است.
- همان طور که سلسله آجرهای متکی به هم باید به ستونی ختم شوند که نگه دارنده همه آجرهای دارای اتکاست، سلسله موجودات معلول نیز نیازمند موجودی است که معلول نباشد.
- پس، در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش « واجب الوجود » و « علة العلل » موجودات دیگر است .

□ استدلال ابن سینا درباره اثبات وجود خدا :

- در درس « جهان ممکنات » که بحث از وجوب و امکان بود، برهان ابن سینا برای اثبات واجب الوجود بالذات را خواندیم.
- ❖ خلاصه برهان « وجوب و امکان » :
- وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن الوجودند.
 - ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ موجودی که وجود، ذاتی او باشد.
 - پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است

□ فلاسفه مسلمان و معناداری حیات :

- بحث دیگری که فلاسفه مسلمان در کنار اثبات وجود خدا داشته اند، بحث درباره تأثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در معنابخشی به حیات بشری است. در مقام مثال، آنان وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند.
- فلاسفه مسلمان می گویند که بشر ابتدا از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را یک امر واقعی می یابد؛ آنگاه این آب واقعی را می نوشد. آب واقعی است که نیاز او را برطرف می کند و سیرایش می سازد. خدا نیز همین گونه است.

- اعتقاد به خدایی، می تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که به کمک عقل و منطق یا هر راه دیگری وجود او را پذیرفته باشد و در ارتباط روحی و معنوی با او زندگی کند.
- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد :
- ✓ جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد.
- ✓ انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.
- ✓ برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی مابازائی واقعی قائل شود.
- ✓ آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.
- ✓ در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد .
- اگر فیلسوفی نتواند وجود چنین خدایی را اثبات کند، امکان پذیرش پنج گزاره فوق را از دست می دهد.
- ابن سینا که وجود خداوند را با دلایل فلسفی اثبات کرده است، در عین حال توصیفی مبتنی بر عشق از رابطه خدا و جهان و انسان ارائه می دهد که می تواند دربردارنده برخی از عناصر پنج گانه باشد. او در رساله ای که درباره عشق نوشته است، می گوید: « هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و برحسب فطرت خود از بدی ها گریزان. همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم »
- ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است .

فلک جز عشق محرابی ندارد	جهان بی خاکِ عشق، آبی ندارد
کسی کز عشق خالی شد، فسرده ست	گرش صدجانب ود، ب ی عشق مرده ست
طبایع جز کشش کاری نداند	حکیمان این کشش را عشق خوانند
گر اندیشه کنی از راه بینش	به عشق است ایستاده آفرینش

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- ❖ اصطلاح « تسلسل » از کلمه « سلسله » به معنای زنجیر است. فلاسفه ترتب معلول ها بر علت ها را به حلقه های زنجیر تشبیه می کنند که به ترتیب، پشت سر یکدیگر قرار گرفته اند و هر کدام، از یک طرف به حلقه قبلی و از طرف دیگر به حلقه بعدی مربوط می شوند.
- ❖ جان استوارت میل، فیلسوف انگلیسی قرن نوزدهم است. وی در علوم طبیعی، مانند شیمی و جانورشناسی و علوم ریاضی و نیز فلسفه تحصیل کرد. میل در فلسفه، پیرو مکتب اصالت فایده است و در تعلیم و تربیت نیز نظریاتی دارد.